

انفرادی با دین مشکلی ندارد و فرد را از انجام اعمال تدینی مانند نماز، روزه، تعلیم و تعلم قرآن کریم باز نمی‌دارد؛ از همین‌روست که اردوغان در برخی از رفتارهای تدینی همانند یک مسلمان به نظر می‌رسد، نماز را در مسجد با مسلمین می‌گذارد، خانمش حجاب می‌پوشد، برای تحریک احساسات حامیان و بلند بردن میزان محبوبیت ملی‌اش قرآن کریم را بلند می‌کند و نیز هنگام ظلم و ستم دولت یهود(اسرائیل) در فلسطین اظهار خشم و نفرت می‌کند. این‌ها همه در قاموس سکولارستی اردوغان مجاز است؛ اما زمانی‌که حرف از کوچک‌ترین حرکت نظامی علیه اسرائیل و یا لغو کوچک‌ترین پیمان اقتصادی، نظامی و یا امنیتی در میان باشد، هیچ یک از این موارد مجاز نخواهد بود. اندیشه سکولاریستی اردوغان در نظام زندگی، دولت و جامعه، تمام مظاهر دین را ملغی اعلام نموده و هیچ حکم شرعی را اجازه نمی‌دهد. درین دایره فرقی با سکولریزم کمالی ندارد که همانا جدایی دین از دولت در تمام قوانین جاری در زندگی مردم است. قوانینی‌که دولت بر اساس آن داور می‌کند، همان قوانین بشری دست‌ساخته‌ای هستند که هیچ تأییدی از جانب الله سبحانه و تعالی ندارند؛ قوانین کفری‌که هیچ پیوندی با اسلام ندارند.

این در حالی‌ست که حامیان اردوغان با مبالغه او را رهبر اسلامی گروه و دولتش می‌دانند. درین چند سطر بیان خواهیم کرد که اردوغان در ترکیه، مرد سکولار درجه یک است و بر اساس سکولریزم حکم می‌راند، در کنار کفار با اسلام و مسلمین در افغانستان، شام، لیبیا و دیگر سرزمین‌های اسلامی در نبرد است.

پیدایش اردوغان

رجب طیب اردوغان در قبیله‌ی قاسم پاشا در استانبول ترکیه در سال 1954 م متولد شد؛ به مدرسه ائمه و خطباء دینی پیوست، با نجم الدین اربکان همراه شد و پیش ازین‌که شهردار استانبول شود، مناصب متعددی را تجربه کرده است، تا این‌که نجم الدین اربکان به نخست‌وزیری دست یافت؛ پس از سقوط خلافت عثمانی کمالی‌ها حاکمان ترکیه بودند؛ اما دیری نگذشت که لشکر کمالی‌ها علیه نجم الدین اربکان شوریدند؛ ارتشی‌که حامی اصلی آن در آن زمان انگلیس بود. زمانی‌که اردوغان بعد از ترگوت اوزال با تکیه بر امریکا نخست‌وزیر شد؛ درین اواخر توانست برخی از ناآرامی‌ها و انفجارات را در ترکیه سازماندهی کند، در حالی‌که ارتش هنوز در تصرف کمالی‌ها بود. به این ترتیب، آن‌ها مجبور شدند برای مهار تروریسم باتشکیل واحدهای امنیتی مجهز با اسلحه مدرن -با این‌که راضی نبودند- موافقت کنند که اول زیر دست اوزال، سپس اردوغان باشد. این اولین نقشه‌ای بود که اردوغان بر آن تکیه زده بود. سپس امریکا این نیرو را افزایش داد، هرگاه در ترکیه یک رشته انفجارات صورت می‌گرفت، نیرویی زیر دست اردوغان را تقویت می‌کردند. با گذشت هر سال این نیرو با ارتش متوازی شده و قدرت انقلاب علیه اردوغان را از ارتش سلب می‌کرد تا ارتش کمالی نتواند مثلی‌که برحاکمان پیشین مانند نجم الدین اربکان، شورش کرد، شورش کند. سپس اردوغان بر مبنای قانون شورای عالی نظامی ترکیه بزرگان افسران ارتش کمالی را باز نشست داد و دوستان خویش را جایگزین آنان کرد.

مشخص است که انگلیس و مزدورانش جرئت استادگی علنی در برابر امریکا و مزدورانش را ندارند، بلکه بصورت زیر میزی کار می‌کنند که سبب اصلی در انقلاب نافرجامی بود که افسران بزرگ کمالی در سال 2016 م یک ماه پیش از نشست شورای عالی نظامی ارتش ترکیه که برای بازنشست دادن آن‌ها برگزار می‌گردید، تدارک دیده بودند؛ زیرا آنان این نشست را بزرگترین ضربه قانونی می‌دیدند که امریکا و پیروش، اردوغان برپیکر آنان وارد می‌کردند. بنابراین، به این انقلاب نافرجام اقدام نمودند که سحر بر ساحر برگشت و باعث شد دست اردوغان در تصفیه ارتش از کمالی‌ها و مورد پیگرد قرار دادن آن‌ها باز شود.

دروغ، ترکیه، اردوغان و حزب عدالت و توسعه

بعد ازین‌که امریکا متوجه شد، مردم از کمالی‌ها و سکولاریزم شدید و اسلام ستیزی‌شان متنفر هستند و بیداری اسلامی روز به روز گسترش می‌یابد؛ بر مبنای سیاست عام الشمولی‌که در سرزمین‌های اسلامی بکار می‌گیرد، برای اردوغان سفارش نمود که لباس اسلام برتن کند و تا مادامی‌که برمسند حاکمیت است، برخی از مشاعر اسلامی را بروز دهد. این کار بالفعل تأثیر بسزایی در جمع شدن مردم بر محور اردوغان و کلید نجات پنداشتن او از کمالی‌ها و سکولریزم آن‌ها داشت؛ تاجایی‌که برخی از حامیانش او را سلطان عبدالحمید و برخی هم بالاتر برخی در مدحش گفتند که او در پی عمرین خطاب رضی الله عنه گام برمی‌دارد.

اردوغان در حمله به سکولریزم کمالی‌ها در سال 1994م گفته است: «به ناچار اندیشه سکولریستی که نظام ترکیه بر آن بنا یافته است، باید ملغی شود؛ زیرا اسلام و سکولریزم ممکن نیست باهم کنار بیایند.» به این پندار که اگر ترکیه بر نظام اسلامی تکیه کند، همه شهروندان را بصفت مسلمین جمع می‌کند و دیگر مشکل کردها در جنوب شرق کشور را نخواهد داشت؛ چنانچه بر قانون کمالی ترکیه انتقاد نموده گفته است: «این بدست سکرین نوشته شده است.» اما دیری نگذشت که حقیقت سکولریستی آن آشکار گردید و لباس اسلام را که به دروغ پوشیده بود، از تن بیرون کرده گفت: «سکولریزم ضامن دموکراسی است.» گویی که دیموکراسی روش وضعی نیست که اساس و جزئیاتش با اسلام در تناقض باشد. دیموکراسی انسان را قانون‌گذار قرار می‌دهد و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

(لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) [اعراف: ۵۴]

ترجمه: آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) ست! پر برکت (و زوال‌ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است!

امر همان قانون‌گذاری و قانون‌گذار فقط الله متعال است، مردم بندگان او تعالی هستند و لازم است بر مبنای قانونش حرکت نمایند.

اردوغان در ترویج سکولریزم خویش بر مغالطه تکیه زده است؛ با تفسیر اشتباه و این اظهار، که سکولریزم با دین در تعارض می‌باشد، خواسته است روی آن را بیپوشاند. بعد ازین که بر مبنای نظر اولش سکولریزم با اسلام کنار نمی‌آید؛ اکنون بر مبنای نظر دومش سکولریزم با اسلام تعارض ندارد؛ این دو دیدگاه متضاد است که اول نمایانگر شخصیت تخیلی بوده و در تلاش است تا لباس یک رهبر اسلامی را به تن کند. دیدگاه دوم نمایانگر حقیقت اردوغان است که یک سکولر است و می‌خواهد با دروغ، فریب و نیرنگ اندیشه خود را ترویج کند.

سپس دیری نگذشت که اردوغان اسلام را انکار کرد و گفت: «برخی ما را حزب اسلامی می‌نامند و برخی دیگر حزب اسلامی معتدل می‌پندارند؛ اما ما نه آن هستیم و نه این؛ بلکه ما حزب محافظ دیموکراسی هستیم؛ نه حزب دینی! همه باید این را بدانند.» عجیب اینست که بسیاری از حامیان هم‌چنان اصرار دارند که او رهبر اسلامی و "حزب عدالت و توسعه" در ترکیه حزب اسلامی است و این‌که ترکیه اردوغان بعد ازین‌که سکولریستی بوده، اسلامی گشته است. خیلی تعجب‌آور است!!

حامیان اردوغان و شهادت دروغین

حامیان اردوغان بر این‌که اردوغان رهبر اسلامی، ترکیه دولت اسلامی و حزب عدالت و توسعه حزب اسلامی است، اصرار می‌ورزند تا مردم نظام اسلامی حقیقی، که همانا خلافت اسلامی است، نشناسند و از حزب التحریر، که برای اقامه آن کار می‌کند، چیزی ندانند. این یک شهادت زور و دروغین است که اسلام آن را حرام کرده و به شدت منع نموده است. الله سبحانه و تعالی فرموده است: (وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) [حج: ۳۰]؛ از سخن دروغ بپرهیزید. و هم‌چنان فرموده است: (مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ) [ق: ۱۸]؛ سخنی را بر زبان نمی‌آورد، مگر این‌که نزدش مراقبت کننده‌ای آماده است. و فرموده است: (وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا) [فرقان: ۷۲]؛ آنان که شهادت دروغین نمی‌دهند و زمانی‌که بر بیهوده‌ای بگذرند، با وقار می‌گذرند.

اردوغان سکولر درجه یک

اردوغان فقط سکولر نیست؛ بلکه سکولر درجه یک است. او فرد درجه یک سکولر در ترکیه می‌باشد؛ درین زمینه دلایل قاطع برای اهل دل و کسانی‌که حرف‌شنو هستند، یادآور خواهیم شد.

1- افتخار اردوغان به سکولریزم و انکار از اسلام: اردوغان بر این‌که سکولر و حزب عدالت و توسعه حفاظت کننده سکولریزم در ترکیه است، افتخار می‌کند. او اظهارات زیاد و جدی مبنی بر سکولر بودن خود، حزب و دولتش دارد که جای بحث باقی نمی‌گذارد. به عنوان مثال: برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم. بنابر آنچه که در مجله "السفیر اللئانیة" در 2009/12/12م چنین اظهار داشته است: «بدون شک، حزب عدالت حزب اسلامی نیست، توصیف سیاست خارجی خود را به سیاست عثمانی جدید نمی‌پذیرد و این‌که احساساتش با غزه از دریچه‌ی اسلام نیست.» او با این سخن اسلام را از حزب عدالت و توسعه نفی کرد و هم‌چنین در ستایش سکولریزم گفته است که او سکولریزم را به عنوان ضامن دموکراسی

می پندارد. بدون شک، دموکراسی روش کفری است که چنگ زدن به آن، تطبیق و فراخوان بسوی آن حرام بوده، با اساسی که بر آن استوار است و با نظم و قوانینی که آورده است، با اسلام در تناقض قرار دارد.

2- اردوغان در ترکیه بر اساس سکولریزم بالای مسلمانان حکم می‌راند: دولت ترکیه از زمان سقوط خلافت تا کنون طی صدسال بر اساس سکولریزم حکومت می‌کند. قانون سکولریستی آن هیچ ارتباطی با اسلام ندارد. امور تمام مؤسساتش بر اساس قوانین وضعی در جریان است؛ قوانین کفری که مطلقاً از اسلام نیستند. ترکیه دولت قطری است که حدود استعماری که سازمان سایکس-پیکو آن‌ها را ترسیم نموده، نگهداری می‌کند. پس ترکیه دولت اسلامی نیست؛ زیرا دولت اسلامی دولت واحدی برای تمام مسلمین است که میان ولایات خود حد و مرزی ندارد، مرزهایش فقط با کفار بگونه غیر ثابت است. دولت اسلامی همیشه در حال جهاد و توسعه‌طلبی دوام‌دار است. ازین‌رو، عمل اصلی و مرکزی آن حمل رسالت اسلام به جهان با دعوت و جهاد است. بارزترین مشخصه یک دولت اسلامی داوری بر اساس شریعت اسلام در میان مسلمین است، به گونه‌ای که به هیچ قانون وضعی حکم و داوری نمی‌کند. نظام حکومتی آن خلافت است، نه نظام جمهوری سکولریستی یا شاهی. خلافت عثمانی خلافت برای همه مسلمین بود، نه مانند دولت سکولریستی اردوغان فقط برای ترک‌ها. مصر، شام، عراق، حجاز، یمن و غیره ولایات خلافت عثمانی بودند که هیچ مرزی فاصلی میان شان نبود. می‌بینیم که اردوغان بر سکولر بودن ترکیه تأکید می‌ورزد و اسلامی بودن آن را انکار می‌کند. این موضوع از آنجا روشن می‌شود که نامیدن دولتش را بنام دولت عثمانی جدید رد می‌کند تا سکولر بودنش را قطعاً تأکید کند و می‌خواهد با تأکید بگوید که مثل آن و در ادامه‌ی آن نیست.

3- خوش خدمتی اردوغان برای سکولریزم در خارج از ترکیه: اردوغان که به سکولریزم ایمان آورده و در ترکیه بر مبنای آن حکم می‌راند، در خارج از ترکیه نیز برای ترویج و حفاظت از آن تلاش می‌کند و در راه آن قربانی می‌دهد. بعد از انقلاب بهار عربی سعی نمود حاکمان جدید را قانع کند تا بر وفق نمونه ترکی سکولاریستی حرکت کنند؛ چنان‌که در مصر، تونس و لیبیا این کار را انجام داده است.

اما نمونه حفاظت از سکولریزم در بیرون از ترکیه به اجرا گذاشتن نقشه‌ی آمریکا در سوریه بود که تغییر مسیر انقلاب سوریه عنوان می‌شد. بعد ازین‌که انقلابیون بر بیش از 70٪ از خاک سوریه مسلط شده بودند و برای اقامه‌ی خلافت آماده می‌شدند، در شرف سقوط نظام و سیاست سکولریستی آن برای همیشه بودند و ایران، نظام سوریه و روسیه از شکستادن اراده مردم شام با جنگ‌های وحشیانه، ستم‌ها، آتش زدن‌ها، فشارهای دسته‌جمعی بر سرزمین سوخته شده و محاصره‌ی درازمدت کوتاه آمده بودند؛ اما اردوغان به اشاره آمریکا برای حفاظت از نظام سوریه و حمایت از سکولریزم در شام، باحیله و نیرنگ وارد میدان عمل شد. اردوغان اعلان کرد که علیه نظام سرکش سوریه با انقلابیون است؛ زمانی‌که برخی انقلابیون به او اعتماد نمودند، آن‌ها را بسوی بعضی از سازش‌ها و تنازلات سوق داد، با ایجاد جنگ‌های تخیلی، پیکارجویان را از مناطقی که حکومت از پس‌گیری آن‌ها عاجز مانده بود، بسوی آن‌ها کشاند. به عنوان مثال: شهر حلب که محاصره‌ی بیش از شش ماهه‌اش شکستنده شده بود و انقلابی‌ها توانسته بودند، محاصره را درین شهر بشکنند، حکومت را شکست دهند و توازن قوی در آن برعکس شده بود؛ اردوغان برای‌شان جنگ "درع الفرات" در سال 2016م را در شهر "الباب" ایجاد کرد تا مجاهدین را از حلب بسوی آن بکشاند؛ زمانی‌که شهر از نیروی دفاعی خالی گشت، ایران و روسیه با ارتکاب بدترین جرایم توانستند شهر حلب را سقوط دهند. در سال 2018م عین کار را انجام داد و عملیات "غصن الزیتون" را طراحی کرد و 25 هزار مبارز را به منطقه عفرین کشاند؛ در نتیجه شهر "غوطه شرقی" بدست حکومت سقوط کرد. اردوغان در سال 2019 عملیات "نبع السلام" را طراحی کرد و جنگجویان را به شمال سوریه برای نبرد با ترک‌ها کشاند که در نتیجه آن مناطق بدست حکومت سوریه سقوط کرد و به اصل خود برگشت؛ در حالی‌که مدت هشت سال با انقلابی‌ها بود و حکومت توان پس‌گیری آن‌ها را نداشت؛ اما با نیرنگ اردوغان انقلاب به زانو درآمد و بیشتری مناطقی که با انقلابی‌ها بود، بدست حکومت جنایت‌کار برگشت و در سال 2020م به همان حیل و نیرنگ توانست حکومت سوریه را بر پس‌گیری شهر "سراقب" از ولایت "ادلب" که از آخرین پایگاه‌های انقلاب بود، کمک کند. برای هر صاحب بصیرتی آشکار شود که اردوغان در کشتار مردم شام شریک حکومت طاغوطی بوده است؛ بلکه جنایتش بیشتر از بشار بود. اردوغان بود که طاغوت را از سقوط نجات داده و سکولریزم را محافظت نمود.

4- از میان رفتن دروغ تدریج: حامیان اردوغان درگرو این مانده بودند که دولت اردوغان اسلامی است و او برای تطبیق اسلام تلاش می‌کند؛ اما از طریق تدریج و زینه به زینه؛ زمانی‌که ارتش بطور کامل بدست او بیفتد، سکولریزم کمالی را لغو، حکومت اسلامی را اعلام و احکام اسلام را تطبیق خواهد کرد... امیدشان از بین رفت و زیان‌مند شدند؛ از چند سال

بدین‌سو، اردو، قدرت و امنیت بطور کامل بدست اردوغان است. مردم در ترکیه منتظر حکومت اسلامی و اجرایی احکام اسلام هستند؛ پس چرا اردوغان نظام سکولریستی را لغو نکرده و دولت اسلامی با تطبیق احکامش را در تمام امور زندگی اعلان نمی‌کند؟ و چرا آرزوی حامیانش را که بی‌صبرانه منتظر اعلان حکومت اسلامی و ملغی ساختن سکولریزم هستند، برآورده نمی‌کند؟ آنچه اردوغان را از تطبیق احکام اسلامی باز می‌دارد، دو چیز است:

اول؛ ایمان و قناعت کامل اردوغان به سکولریزم؛ پس سکولریزم روش او در مسیر زندگی است که در ترکیه بر اساس قوانین آن بالای مردم، با قناعت کامل حکم می‌راند و از آنچه انجام می‌دهد، راضی و مطمئن است. به همین دلیل، باصراحت تمام و بطور قطعی اسلامی بودن حکمتش را انکار می‌کند. آیا عاقلانه است که به اساس سکولریزم حکومت کند؛ در حالی که اسلام روش مخالف عقیده سکولریستی و قوانین وضعی آن است؟!

دوم؛ پیروی اردوغان از امریکا و اجرای تمام نقشه‌های آن در داخل و خارج از ترکیه؛ از جمله تطبیق، ترویج، حمایت، قربانی دادن در راه سکولریزم، حفاظت از منافع آمریکا و پناه بردن به آن در وقت خطر است. این تمام چیزی است که اردوغان با جزئیات اجرا می‌کند.

این همه علی‌رغم این است که تدریج یک اندیشه تخیلی است که متحقق نمی‌شود؛ زیرا از دو حالت خالی نیست: یا حکم اسلامی تطبیق می‌شود و یا غیر آن؛ بطور مثال اگر نسبت سود ۱۴٪ باشد، سپس بعد از مدتی به ۸٪ و بعد از مدتی دیگر به ۲٪ کاهش یابد؛ این نسبت‌ها همه سود هستند، حکم کفری بوده و با اسلام در تناقض و حرام هستند، چه کم باشند و چه زیاد. حکم بر اساس اسلام همان حکم به تمام احکام اسلام است.

۵- جنگیدن اردوغان در کنار کفار برای پاسداری از سکولریزم در زمین و منع بازگشت حکومت اسلامی: ترکیه در زمان حاکمیت کمالی‌ها به پیمان شمال انتلانتیک (ناتو) پیوست و تاکنون درین پیمان شوم که هزاران مسلمان در افغانستان و غیر آن را به قتل رساند، ادامه می‌دهد. ترکیه دوبار ریاست پیمان ناتو را عهده‌دار گردید که یکی از آن‌ها در زمان حاکمیت اردوغان بود. پس اردوغان در قتل ده‌ها هزار مسلمان با کفار استعمارگر، شریک است. مشخص است که از دیدگاه شرعی نابود کردن سنگ‌سنگ کعبه با جایگاه بلندی که در وجدان مسلمان‌ها دارد، در نزد الله سبحانه و تعالی از ریختن خون یک مسلمان آسان‌تر است، چه برسد به کسی که در قتل ده‌ها هزار مسلمانی که هیچ گناهی جز این که می‌گفتند پروردگار مان الله و پیامبرمان محمد صلی الله علیه وسلم و روش مان اسلام است، نداشتند شریک باشد!

چنانچه اردوغان ترکیه را که قرن‌ها مرکز خلافت عثمانی بود، به ولایتی از ولایات امریکا و پایگاه نظامی تبدیل نموده که دارای سلاح‌های مدرن جنگی بوده و از جمله آن‌ها کلاهک‌های هسته‌ای می‌باشد. در پایگاه "انجریک" نود کلاهک هسته‌ای امریکا موجود است. کفار موشک‌ها، هواپیماها و سلاح‌های مختلف جنگی را در جنگ علیه مسلمان‌ها بکار می‌گیرند. چقدر از هواپیماهایی که مسلمان‌ها را در افغانستان، عراق و هم‌چنان در شام، کسانی را که علیه بشار اسد طاغوتی انقلاب کردند و سکولریزم را رد کرده و برای اقامه خلافت اسلامی آماده می‌شدند کشتند! چقدر از موشک‌ها و هواپیماهای مدرن جنگی روسیه برای قتل و تخریب خانه‌ها، مساکن، مدارس و مساجد مسلمانان، در جنگ وحشیانه‌ای که سیاست زمین سوخته را تعقیب می‌کردند، حریم هوایی ترکیه را شگافتند؟! این خود دلیل قاطعی بر کینه پنهان در قلوب شان علیه اسلام، خلافت و مسلمانان است. اردوغان شریک روسیه جنایت‌کار در ریختن قطره قطره خون مسلمین در شام است. الله متعال می‌فرماید:

(وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمَّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا) [نساء: ۹۳]

ترجمه: و هر کس، فرد بالیمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می‌ماند و الله بر او غضب می‌کند؛ و او را از رحمتش دور می‌سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

این صفات زشت در آیه کریمه که عبارت اند از دخول آتش جهنم، خلود در آن، مستحق شدن خشم و نفرین الله سبحانه و تعالی و عذاب بزرگ؛ همه برای کسی است که یک مؤمن را بقتل برساند، چه رسد به کسی که هزاران مؤمن را کشته و یا در قتل شان شریک باشد! این در حالی است که اردوغان چند سال پیش با نیروهایش بسوی لیبیا روی آورد و از کنار یهود غاصب هفتاد ساله‌ی فلسطین، قاتل ده‌ها هزار فلسطینی گذشت، حتی یک سرباز را برای جنگ با آن سوق نداد؛ بلکه آن نیروها بسوی لیبیا برای جنگی رفتند که در آن مسلمانان بوده و نقشه‌ی آمریکا مبنی بر پیش‌گیری نفوذ بریتانیا و استاد

شدن به جای آن از طریق "خلیفه حفتر" و یا غیر آن بود. جنگ بی‌نتیجه‌ای که در آن خون مسلمانان از دوطرف ریخته شده و موجب رضایت کفار استعمارگر شده است. اردوغان در این جنگ در قتل مسلمین با کفار شریک بود.

خیانت اردوغان به قضیه فلسطین و مردم آن

اردوغان همچون حاکمان دیگر جز به زبان، آن‌هم در مبارزات انتخاباتی، هیچ کاری برای فلسطین انجام نداد. برای فلسطین و ملت آن خیانت نموده و هیچ سربازی را برای جنگ بایهود و آزادسازی فلسطین از لوٹ آنان، سوق نداد؛ حتی انتقام نه سرباز ترک را که یهود در سال 2010م در کشتی "آزادی غزه" کشتند و نمایشی برملا به هدف افزایش آراء انتخاباتی بود، نگرفت. همچنان خون آن‌ها بر گردن اردوغان است. رابطه اردوغان با نهاد یهود رابطه دوستانه و رفاقت است. او با ایشان رابطه تجاری، نظامی و امنیتی برقرار نموده و این رابطه‌های سه‌گانه در زمان اردوغان به‌گونه وسیع‌تر گسترش یافته است. ترکیه اولین دولت از دولت‌های سکولریستی حاکم بر مسلمین بود که در سال 1948م دولت یهود را به رسمیت شناخت و تا امروز این شناخت پابرجاست. وجود سفارت دولت یهود در ترکیه دلیل قاطعی بر دوستی ویژه میان اردوغان و دوستانش - رهبران یهود - غاصبین سرزمین مقدس فلسطین است. اردوغان در ترکیه از حاکمان قبیل از خود به نهاد یهود به‌گونه بهتر خدمت‌رسانی کرده است؛ زمانی که آتش سوزی‌ها در نهاد یهود در سال 2016م شعله‌ور گردیده و بسیاری از کشورها از جمله امارات از خاموش کردن آن عاجز مانده بودند و نزدیک بود یهود در جزای آنچه در حق فلسطین و مردم آن انجام داده بود، نابود شود؛ دوست صمیمی‌شان، اردوغان، به نجات آنان شتافت و موفق شد تا زنجیره کشتار مردم فلسطین، نابود کردن خانه‌ها و از بین بردن کشتزارهای آنان ادامه یابد. به این صورت، اردوغان شریک جنایات یهود در فلسطین، بعد از نجات دادن آن‌ها از آتش‌سوزی‌های سال 2016م شمرده می‌شود. تعجب‌آور اینجاست که اردوغان هیچ تلاشی برای نجات مناطقی که حکومت سوریه در "حمه" و مناطقی که روسیه جنایت‌کار به آتش کشید، نکرد؛ بلکه گفت: حمله دوم را اجازه نمی‌دهیم؛ دوم، سوم و چهارم تکرار شد؛ اما اردوغان هیچ کاری نکرد. با وجود جنایات و حشیانه روسیه در شام، اردوغان همچنان با سران جنایت‌کار در رأس شان دشمن الله، پوتین رابطه برقرار می‌کند.

تأسیس مراکز روسپی‌گری و سواحل برهنه‌گان

مراکز روسپی‌گری که مسلمین را به فساد کشانده، قبل از حاکمیت اردوغان در ترکیه بوده اند؛ اما در زمان حاکمیت اردوغان توسعه یافته و افزایش یافته است. یکی از زنانی که مالک یکی از مراکز روسپی‌گری است، بعد از دست یافتن اردوغان به مقام ریاست جمهوری، در حالی که از کامیابی اردوغان مسرور بود؛ چنین اظهار داشت که اردوغان را ازین جهت انتخاب نموده است که در زمان حاکمیت او تجارتش رونق بیشتری یافته. برخی بیانات حاکی از آن است که مراکز فحشاء از بزرگترین مراکز درآمدزا در ترکیه محسوب می‌شود. پس جایی تعجب نیست که اقتصاد ترکیه در سال‌های اخیر به‌گونه قابل توجهی رشد یافته است.

نوار افتتاحیه سواحل برهنه‌گان در دریای ایجه در سال 2009م توسط اردوغان قطع شد؛ گرچه وجود چنین سواحل در سرزمین محمد فاتح و سلطان عبدالحمید، بعید بنظر می‌رسد؛ اما این معلومات ۱۰۰٪ درست است؛ زمانی که فریاد مردم در ترکیه ازین ناحیه بلند شد، اردوغان به ایجاد سواحل عفاف اقدام نمود.

نتیجه‌گیری

اردوغان؛ پیرو امریکا، دوست روسیه و سازمان یهود، خائن اسلام و مسلمانان و سکولر درجه یک است. اردوغان مرد درجه اول سکولر در ترکیه است؛ کارکردش از منظر اسلام جنایاتی محسوب می‌شود که الله، پروردگار جهانیان، آفریدگار هستی، انسان و حیات و آفریدگار همه چیز از عدم را به خشم آورده است. امت باید قبل از این‌که زمان بگذرد و قبل ازین‌که پشیمانی سودی نداشته باشد؛ این موضوع را درک نموده و با حزب التحریر برای سقوط تمام نظام‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی، به شمول اردوغان کار کند و صفوف خویش را با حرکت دادن کشتی تغییر حقیقی، عالم جلیل القدر، عطاء ابن خلیل ابو الرشته و کار با حزب التحریر به رهبری ایشان، برای برپا کردن خلافت راشد دوم به طریق نبوت، بیاریند؛ زیرا راه نجات مسلمین و رسیدن به عزت و بیداری آن‌ها همین است. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)
[نور: ٥٥]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقانند.

نویسنده: سعید عدنان – ولایه یمن

منبع: مجله الوعی شماره (۴۲۹)